

## خوانش مارکس در ۱۹۶۵؛

## روایت آلتوسر (و حلقه‌اش) و لوفور در ۲۰۱۶

استوارت اِلدن

برگردان: امین علیمحمدی

برخی از مهمترین آثار مارکسیسم فرانسوی پس از جنگ و در ۱۹۶۵ منتشر شد. «برای مارکس» آلتوسر با مشارکت حلقه و افراد حاضر در سمینارهایش به «خوانش سرمایه» ختم شد و «متافلسفه»ی آنری لوفور نیز در همان سال سر برآورد. و اکنون این بار با ترجمه‌ای کامل، این دو اثر در اختیار پژوهشگران [انگلیسی‌زبان] قرار گرفته است.

متافلسفه بین سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ درست قبل از پیش‌روی چندجانبه آلتوسر به صحنه فلسفه، تاریخ و سیاست معاصر، نوشته شد. شاید به همین سبب در آن توجهی به آلتوسر نمی‌شود. اما این بی‌اعتنایی به سرعت جبران شد: چراکه لوفور مقالات متعددی را در نقد و تحلیل مدعای آلتوسر ترتیب داد که در کتاب بعدی‌اش «فراتر از ساختارگرایی» ۱۹۷۱ به‌علاوه چند اثر دیگر از او جمع‌آوری و به چاپ رسید. لوفور ساختارگرایی را به مثابه یک «ایدئولوژی فرانسوی» در خدمت الگوی خاصی از سوسیالیسم دولتی می‌دید. یعنی اخذ مفهومی یکه و دست‌نخورده از «ساختار» به جای توجه به رابطه میان شکل، کارکرد و ساختار در کار مارکس. اما مضایقه آلتوسر نسبت به لوفور در سال ۱۹۶۵ قابل گذشت نیست، چراکه لوفور یک نسل قدیمی‌تر از آلتوسر بود و در رابطه با طیف وسیعی از موضوعاتی که آلتوسر مدعی بود مارکسیسم فرانسوی از آن غفلت کرده است، قلم زده بود. ولی آلتوسر هیچ‌گاه خودش را مشغول تحلیل یا نقد آراء لوفور نکرد، در عوض کتابش را صرف ستایش نلین کرد.

«خوانش سرمایه» و «متافلسفه» هر دو در مباحث فکری انگلیسی‌زبان کمتر مورد توجه قرار گرفت. خوانش سرمایه در نسخه اصلی فرانسوی‌اش شامل مقالاتی از اتیین بالیبار، ژاک رانسیر، روژه استبله و پیر ماسری با همراهی و حمایت‌های آلتوسر بود. اما نخستین ترجمه انگلیسی از آن تنها شامل بخش‌های مربوط به آلتوسر و بالیبار بود. انتشار نسخه کامل خوانش سرمایه با ترجمه و ویراست تازه‌ای از دیوید فرنباخ ناظر بر ترجمه اولیه بن بروسر، مسرت‌بخش است. شاگردان آلتوسر هر کدام جایگاه برجسته‌ای را اشغال کردند و آثار اصلی‌شان من جمله کارهای رانسیر، ماسری و بالیبار به طور گسترده مورد توجه قرار گرفت، در این میان اما روژه استبله در جریانات فکری انگلیسی‌زبان مهجور باقی ماند. اگرچه مجموعه مقالات این کتاب همچنان با رویکردی انتقادی آلتوسر همراه است، با اینحال شاگردان وی در خوانش سرمایه مواجهه‌ای انتقادی با رویکرد آلتوسر دارند، چنانکه بعدتر نیز مسیر آینده تئوریک خود را از این رهگذر پی‌ریزی کردند. خوانش سرمایه با توضیح مختصری از بالیبار شروع می‌شود.

متافلسفه اما هیچ‌گاه [در همین حد هم به انگلیسی] ترجمه نشد و تنها بخش‌های ابتدایی‌اش که مختصری از آن پیش‌تر در کتاب *نوشته‌های کلیدی*<sup>۲</sup> برگردانده شده بود، در دسترس خوانندگان انگلیسی قرار داشت و این کتاب همچون بخش عمده‌ای از آثار لوفور در دنیای انگلیسی‌زبان کم و بیش ناشناخته باقی ماند. لازم به ذکر است تنها تعداد معدودی از کارهای لوفور در زمان حیاتش به انگلیسی برگردانده شد، درحالی‌که این وضع در دیگر زبان‌های اروپایی متفاوت بود. لوفور در سال ۱۹۹۱ یعنی زمانی

<sup>۱</sup> این یادداشت ترجمه‌ای است از:

Stuart Elden (2016), Reading Marx in 1965; Reading Althusser et. al. and Lefebvre

<https://www.versobooks.com/blogs/2789-stuart-elden-reading-marx-in-1965-reading-althusser-et-al-and-lefebvre-in-2016>

<sup>۲</sup> Key writings: جمع‌آوری و ترجمه مجموعه مقالاتی از آثار مختلف لوفور به انگلیسی است که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد.

که «تولید فضا» و جلد نخست «نقد زندگی روزمره» ترجمه شد، درگذشت و تازه پس از آن بود که چندین جلد دیگر از آثارش (بخش‌های باقی مانده از «نقد زندگی روزمره» همچنین «ضرب آهنگ‌کاوی» و بسیاری از کارهای مهم شهری او)<sup>۲</sup> ترجمه شد. مطمئناً این‌ها آثار قابل توجهی در حوزه‌های جغرافیا و معماری گرفته تا مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی هستند که مورد توجه و استفاده بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. اما این در حالی است که پیش از این بیشتر آثار مارکسیستی لوفور با اینکه در دسترس بود (مثل: ماتریالیسم دیالکتیکی و جامعه‌شناسی مارکس) همچنین نوشته‌های فلسفی او کمتر دیده شد و متأسفانه موجب شد تا افق کلی آثار او مخدوش درک شود. از این‌رو ترجمه «متافلسفه» به عنوان یکی از برجسته‌ترین نوشته‌های فلسفی لوفور، مبنایی نظری را برای فهم دیگر آثار او فراهم ساخت که تا اندازه‌ای مشکل مذکور را برطرف ساخت. حالا این اثر توسط دیوید فرنباخ ترجمه شده و من [استوارت الدن] ویرایش آن را به انجام رساندم که امیدواریم این اولین قسمت از سری ترجمه‌های آثار فلسفی لوفور ادامه یابد.

اکنون دیگر نقاط فراوان اشتراک و افتراق میان مواضع آلتوسر و لوفور برای خوانندگان انگلیسی‌زبان قابل ارزیابی و تحلیل است. که از مهمترین این اختلافات نوع رویکردشان به هگل است. کار آلتوسر، خاصه در «برای مارکس» و همین‌طور «خوانش سرمایه» در تلاش است تا نشان دهد به‌واقع آنگاه که مارکس از هگل فراتر می‌رود، کار او علمی‌تر می‌شود. انگیزه آلتوسر ترسیم شکافی روشن میان ایده-آلیسم و ماتریالیسم بود آن هم به‌جهت رهانیدن مارکسیسم از شر اومانیسیم. که این مهم با دست‌کم گرفتن نوشته‌های اولیه مارکس با این اتهام که ملهم از تأثیرات هگلی است، به انجام رسید. لوفور اما برخلاف آلتوسر، قرائت خود از تمامی آثار مارکس را تنها صرف شناسایی اهمیت تأثیرات هگلی بر مارکس نمی‌کند بلکه در عوض نشان می‌دهد مارکس با فکر هگلی است که تکمیل می‌شود علاوه بر این تأکید می‌کند که اومانیسیم در سرتاسر نوشته‌های مارکس وجود دارد. اما کار لوفور فقط ارائه خوانشی هگلی از مارکس یا عرضه تفسیر مارکسیستی ملهم از هگل نبود، خوانش او در خصوص نیچه نیز دارای چنین خصلتی است. در این ارتباط کتاب لوفور (۱۹۷۵) [با عنوان: «هگل، مارکس و نیچه؛ یا قلمرو سایه‌ها» متن مهم دیگری است که ترجمه انگلیسی آن مدت‌هاست که به تأخیر افتاده<sup>۴</sup>. در متافلسفه هر سه (هگل، مارکس و نیچه) نقش مهمی دارند، وی همچنین در این کتاب درگیری مفصلی با مارتین هایدگر، ژان پل سارتر و کاستاس آکسلوس دارد.

در میانبری از راه فرعی به اصلی همزمان با انتشار این دو اثر از لوفور، نسخه دیگری از «خدای پنهان» لوسین گلدمن نیز منتشر می‌شود. مطالعه‌ای بر روی پاسکال و راسین که بی‌ارتباط با کار آلتوسر و لوفور نیست. چراکه گلدمن نیز عمدتاً در بحث‌های مارکسیستی فرانسه مشارکت داشت. او متولد رومانی بود، در سوئیس تحصیل کرد همچنین متأثر از لوکاچ بود. میشل لویی دانشجوی سابق او - و منتقد آلتوسر - در مقدمه این کتاب اظهار می‌کند که می‌توان میان کار گلدمن و لوفور در ۱۹۴۹ و ۱۹۵۴ همسویی‌هایی را ناظر بر روایتی که از پاسکال ارائه شده است، ردیابی کرد. نوشته‌های لوفور در باب پاسکال در امتداد آن بخش از درگیری‌هایی است که وی در طول یک‌دهه با تعدادی از آثار بزرگ‌نویسندگان فرانسوی نظیر: دکارت، دیدرو، رابله و موسه داشته است. از مهمترین دلایل لوفور برای نوشتن این آثار که تا امروز هم به انگلیسی ترجمه نشده، این بود که حزب کمونیست فرانسه لوفور را از طرح پرسش‌های صریح و نوشتن آثار سیاسی منع کرده بود. لوفور پس از یک دوره تعلیق از حزب کمونیست و نهایتاً ترک [یا اخراج از] آن در سال ۱۹۵۸ به‌یکباره شروع به نوشتن مجموعه‌ای از آثار نظری و سیاسی کرد که تا آن موقع جلوی آن گرفته شده بود. من جمله زندگی‌نامه آشفته اما بی‌نظیرش به سال ۱۹۵۹ «جمع و مابقی» (La somme et le reste) که در اصل، «متافلسفه» در امتداد این کار قرار می‌گیرد.

جایگاه آلتوسر به عنوان یکی از کلیدی‌ترین نویسندگان فرانسوی در باب مارکس اثبات شده است: به همین سبب ارائه ترجمه‌ای کامل از «خوانش سرمایه» نقش مهم او و شاگردان ممتازش را در ارائه این تفسیر عمیق [از سرمایه مارکس] به درستی نمود خواهد داد. لوفور اما در بحث‌های مارکسیستی کمتر شناخته شده است. امروز اما [با ترجمه کامل از] «متافلسفه» آن چنان که دیوید کایننگام نیز در ستایشی سخاوتمندانه از کتاب اظهار می‌کند، لوفور را در زمره بزرگترین متفکران مارکسیست قرن بیستم قرار می‌دهد. پنجاه سال طول کشید که ترجمه‌ای کامل از «خوانش سرمایه» و نخستین ترجمه از «متافلسفه» سر برآورد، حالا دیگر خوانندگان انگلیسی‌زبان می‌توانند این دو اثر بنیادی را باهم مورد ارزیابی قرار دهند.

<sup>۲</sup> کتاب ضرب آهنگ‌کاوی با ترجمه آیدین ترکمه به فارسی برگردانده شده، همچنین دو کتاب نقد زندگی روزمره و مکتوباتی درباب شهر نیز در حال ترجمه به فارسی است.

<sup>۴</sup> این کتاب امسال (۲۰۲۰) به انگلیسی ترجمه و منتشر شده است.